

بهروز سورن: معاملات و مذاکرات شومی که حول پدیده پناهجویان ایرانی در جریان است



قراردادهای سیاسی و اقتصادی کلان میان دول تنها به متن قرارداد منتشر شده علنی ختم نمیشود. هر یک از طرفین بطور غیر علنی و در موازات گفتگوهای خود با طرف مقابل خواستها و درخواستهایی را نیز مطرح میکند. فشار به مخالفان سیاسی خود در تبعید، عدم پذیرش پناهجویان مربوط به آن کشور و سنگ اندازی در روند پذیرش و تکمیل پرونده آنان، استخدام وابستگان به سفارت در مشاغل کلیدی، پیشگیری از اکسیونهای مخالف رژیم، آزادی زندانیان و تبادل آنها، ایجاد تسهیلات ویزائی و آمد و شد شهروندان، فعال کردن ارتباطات اطلاعاتی متقابل در همین رابطه، کاهش میزان مالیات ها و خلاصه دهها مطالبه و آرزوی کناری را بعنوان دنباله قراردادهای اقتصادی و سیاسی به آن اتصال میدهند.

.....

طی چند سال اخیر و بویژه پس از آغاز کلنگی شدن منطقه خاورمیانه را میتوان بدترین شرایط روند پناهندگی ایرانیان به جامعه بین الملل نیز بحساب آورد. گم شدن در ارقام نجومی مهاجران جدید از سوریه و عراق؛ افزایش اماری پناهجویان افغانی و بنگلادشی و کشورهای آفریقائی و ... حضور پررنگ پناهجویان ایرانی که از دام امنیتی حاکمان جمهوری اسلامی رهیده بودند را بسیار کمرنگ تر نموده است.

انتظار بی حد و بسیار طولانی برای پذیرش پناهندگی و حتی پذیرفته شدگان برای انتقال به کشور امن ثالث، صبر ایوب را بارامی به این درماندگان پناهجو آموزش داده و میدهد. نا گفته پیداست که پناهجویان و بویژه پناهجویان سیاسی و ناراضی در حین اقدام به خروج از کشور و با امید رسیدن به مقصد، تمامی امکانات مالی موجود خود را از کف میدهند و پل های پشت سر را تخریب می کنند و بدین شکل راهی پر خطر و بی بازگشت را در برابر خود قرار میدهند.

ناگفته پیداست که این طیف با تمامی سرمایه ها و باقی مانده های مالی خویش روانه ناکجاآبادها میشوند. هم اکنون ولی زمزمه هایی شنیده میشود که پس از برجام کشور ایران را در ردیف کشورهای امن رده بندی و از پذیرش پناهندگان سیاسی آن سرباز زنند. زندانها مملو از زندانیان سیاسی، فعالین کارگری و مدنی است. هر روزه اخبار بازداشت و حبس و محاکمه مجدد زندانیان و افزودن احکام اسیرشدگان در جرایم منتشر میشود و نشاندهنده آنست که شرایط زندانیان سیاسی و مدنی در دوره روحانی نه تنها بهتر نشده که بمراتب اسفبار تر از گذشته است.

آزادی بیان مورد تعرض دائمی مراکز اطلاعاتی امنیتی است و سانسور حرف اول را میان حکومتیان و مردم کشورمان را به خود اختصاص داده است. معاملات علنی و غیر علنی حاکمان بلحاظ بین المللی اما گویای قراردادهای شومی است که پناهجویان ایرانی را که در مراحل پذیرش و انتقال بسر میبرند با خطر دیپورت و باز پس دادن روبرو کرده است. این اقدامات در پی معاملات پشت پرده میان جمهوری اسلامی و کشورهای اروپائی و استرالیا میباشد.

قراردادهای سیاسی و اقتصادی کلان میان دول تنها به متن قرارداد منتشر شده علنی ختم نمیشود. هر یک از طرفین بطور غیرعلنی و در موازات گفتگوهای خود با طرف مقابل خواستها و درخواستهایی را نیز مطرح میکند. فشار به مخالفان سیاسی خود در تبعید، عدم پذیرش پناهجویان مربوط به آن کشور و سنگ اندازی در روند پذیرش و تکمیل پرونده آنان، استخدام وابستگان به سفارت در مشاغل کلیدی، پیشگیری از اکسیونهای مخالف رژیم، آزادی زندانیان و تبادل آنها، ایجاد تسهیلات ویزائی و آمد و شد شهروندان، فعال کردن ارتباطات اطلاعاتی متقابل در همین رابطه، کاهش میزان مالیات ها و خلاصه دهها مطالبه و آرزوی کناری را بعنوان دنباله قراردادهای اقتصادی و سیاسی به آن اتصال میدهند.

هم از اینروست که پس از برجام، پناهجویان ایرانی پشت مرزهای مقدونیه شانسی برای عبور نمی یابند، در فرانسه ناچار می شوند تا لب های خود را بدوزند و در مرزهای مقدونیه روی ریل قطار ها میخوابند. قوانین جدید مهاجرت، پذیرش پناهجویان ایرانی و افغانی را با مشکلات تازه ای روبرو کرده است و راه ورود آنان به اروپا را از طرق قانونی و مرزی و همانگونه که تا کنون انجام شده است، بسته اند. مسئله پناهندگی همواره تابعی از مناسبات سیاسی بوده است. واقعیت کنونی به لحاظ آماری و عملی هیچگونه تغییری نسبت به گذشته نکرده است اما پس از تفاهات هسته ای و مذاکرات و معاملات اقتصادی و انطور که از شواهد پیداست مسئله پناهندگی ایرانیان به اروپا و آمریکا نیز کلید خورده است و پناهجویان و بویژه ایرانیان و پناهجویان پاکستان و افغانستان و بنگلادش در زمره اولین قربانیان این وقایع شوم قرار دارند.

در چنین شرایطی شایعه ای شوم نیز پناهندگان ایرانی در استرالیا را بطور مضاعف تهدید میکند. مذاکرات طولانی مدت وزرای خارجه ایران و استرالیا و انطور که بنظر می آید به تفاهماتی منجر شده است که میتواند فجایی را بدنبال داشته باشد. خبرگزاری آسوشیتدپرس در یکی از مطالب خبری خود ضمن اشاره به این گفتگو ها خاطر نشان کرده است که بازگرداندن 9 هزار ایرانی پناهجو در استرالیا و یا خارج از آن همانند گینه نو مورد مذاکره قرار داشته اند.

در میان این پناهجویان تعداد زیادی با کیس تغییر دین و پذیرش مسیحیت قرار دارند. این اقدام آنها چنانچه بین دو حکومت (قریب به یقین) تبادل اطلاعاتی نیز صورت گیرد و بر طبق قوانین جمهوری اسلامی میتواند برای آنها خطر مرگ را بدنبال داشته باشد. از سوی دیگر کم نیستند پناهندگان سیاسی ایرانی که خطرات گذر از مرزها را بجان خریده اند و هم اکنون در هزارتوی پذیرش پناهندگی و انتقال به کشور سوم در مانده اند. و مرگ رویای آزادی و امنیت و دنیای بهتر را پیش چشمان خود رویت می کنند.

در میان پناهجویانی که در طول سال گذشته به کشورهای اسکانديناوی و آلمان وارد شده اند و تا مدتی پیش با دربهای باز و مرزهای بی مشکل روبرو بودند اما به آرامی صدای خشونت و تنفر از سوی بخشی افزاینده از اهالی و دولتهایشان شنیده میشود. احزاب دست راستی و فاشیستی آلمان با استفاده ابزاری از این پدیده توانسته اند ضمن علنی شدن فعالیت هایشان تقویت شوند و بیم ان ورود که بعنوان یکی از سه حزب قوی آلمان در انتخابات اتی ظاهر شوند.

دولت سوئد در صدد است تا دهها هزار تن از آنها را بازگرداند. همانها که سرزمین شان را بعلت جنگ و نابودی و خطر مرگ و فقر و گرسنگی ترک کردند و به این مهاجرات امید ها بستند. در کشور آلمان با موجی از تنفر بخشی از اهالی روبرو شده و هر روزه از انفجار یا آتش سوزی محل اسکان آنها خبر می آید و بمرور نجوای بازپس دادن آنها بلندتر میشود. بی تردید واکنش حامیان پناهندگان به تنهایی و از پشت تریبون خود نمیتواند بر روند پناهندگی موجود موثر واقع شود. همبستگی عمومی و صدای یگانه ما میتواند اعتراض وجدانهای بیدار را طنین افکند و از حق پناهندگی در مفهوم عام ان دفاع کند. سایت گزارشگران در این زمینه اقدامات جمعی را پر اهمیت و آمادگی حضور موثر دارد.

بهر روز سورن

13.03.2016